

آچارکشی

آلایندگان عزیز



پوریا عالمی

الان به مرحله لب‌به‌لب رسیدیم. البته باید سریع یگویم دوتا لب‌به‌لب داریم که ما منظورمان دومی است تا شائبه‌ای پیش نیاید. ممکن است شما بپرسید در چه چیزی به مرحله لب‌به‌لب رسیدیم. ما هم می‌گوییم مرحله جان. یعنی چی؟ یعنی الان جان ما به لبمان رسیده و کاملاً لب‌به‌لب داریم زندگی می‌کنیم و یک تکان دیگر بخوریم جانمان ریخته بیرون. چطوری؟ این طوری که ما تازه توانسته بودیم با زلزله و سیل و گودبرداری و سقوط هواپیما و آتش‌گرفتن خودرو و اتوبوس و خارج‌شدن قطار از ریل و سوختن مدرسه کبری و تخریب آمبول تقلبی و چی‌وچی کنار بیاییم و راستش اصلاً آمادگی نداشتیم هوا آلوده شود. یعنی ما عادت کردیم هوا پس بشود و بلدیم وقتی هوا پس است چطوری کلیمان را از آب بیرون بکشیم. اما هوا کثیف شود چی؟ شوخی هم نیست. راستش ما هرروز تیپ‌فشنگه را می‌زنیم می‌رویم به دوستانمان سر می‌زنیم. بعید نیست فردا دوستانمان تیپ مشکی بزنند بیایند سر قبر ما. خلاصه الان قضیه جدی است و اگر در تهران نفس می‌کشید بعید نیست همین خطی که می‌خوانید آخر خط شما باشد. در تأیید حرف ما شورای شهر تهران با اشاره به افزایش مرگ‌ومیرها در پی آلودگی هوا در روزهای اخیر در تهران اعلام کرد: «براساس گزارشات، آمار مرگ‌ومیرها از ۱۵۰ نفر به ۱۸۰ نفر رسیده است». می‌بینید؟ البته شاید هم این جزء مدیریت شهری است و ما نمی‌دانیم و لابد گفتند حالا که نمی‌توانیم دل از تولید خودرو غیراستاندارد بکنیم تا هوا کمتر آلوده شود، طبق معمول از مردم مایه بگذاریم و ول کنیم هوا کار خودش را بکند و از جمعیت تهران کم شود. منتها الان روزی ۳۰ نفر در تهران به دلیل آلودگی هوا می‌میرند و اگر صد روز هم هوا را ول کنیم تا کثیف‌کاری کند، فوق‌فوقش سه هزار نفر خروجی داشته باشد که مسئولان شهری اذعان دارند سه هزار نفر مقابل مثلاً ۱۰ میلیون نفر جمعیت تهران اصلاً چیزی نیست. شاید هم مسئولان و هم آلایندگان عزیز، برنامه بلندمدت‌تر دیگری در نظر دارند که ما بی‌خبریم. به‌هرحال هوا خیلی پس و آلوده است و شاید این جمله آخرین جمله‌ای باشد که شما می‌خوانید و شاید هم هوا ما را هم ناکار کرد و نتوانستیم این جمله را به آخر...

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲ دی ۱۳۹۴ • ۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۲۷ • ۲۳ دسامبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۷۷ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۳ • اذان مغرب ۱۷:۱۶ • اذان صبح فردا ۵:۴۱ • طلوع آفتاب ۷:۱۱

روزنامه‌رو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

سازان خادم



جهانگیر هدایت



دفتر صادق هدایت که تحت‌نظر من اداره می‌شود، با کامیار شاپور، تنها پسر بازمانده فروغ فرخزاد، همکاری نزدیکی را آغاز کرده و برای احقاق حق و وصول حقوق پایمال‌شده چاپ و انتشار غیرقانونی آثار فروغ که سال‌هاست توسط عده‌ای از ناشران ادامه دارد، دست به اقدامات جدی زده‌ایم. ناشرانی بدون کسب اجازه با انعقاد هرگونه قراردادی با کامیار شاپور، آثار فروغ و حتی آثار پدرش، پرویز شاپور، را چاپ و منتشر کرده و دنباری حق‌التالیف به تنها بازمانده یکی از مطرح‌ترین بانوان مورد توجه مخصوصاً جوانان است و طبعاً به بازمانده او که در این میان مظلوم واقع شده و حشش را پایمال کرده‌اند نیز توجه بسیار می‌شود. البته از جانب کامیار شاپور تخلف ناشران به اداره کتاب‌خوانی وزارت ارشاد نیز کتبا اطلاع داده شده و خواستار رسیدگی به تخلف کرده است. سه ناشر دیگر یکی با نامه‌نگاری بی‌مورد

فراخوان

تلاش برای ارائه چهره واقعی ایران

تصویب قانونی توسط مجلس آمریکا، راه سفر شهروندان ۳۸ کشور متحد با آمریکا را به ایران محدود می‌کند و طبعاً محدودیت‌های تازه‌ای هم برای سفر ایرانیان به آمریکا در پی خواهد داشت. هم‌زمان با امضای این قانون توسط اوباما، کمپینی به راه افتاده تا به صورت مسالمت‌آمیز در برابر این قانون قد علم کنند و از مسئولان آمریکایی بخواهند در شرایط رفع تحریم‌ها، محدودیت تازه‌ای را برای اقتصاد، فرهنگ و گردشگری ایران به وجود نیاورند. جوانان که پیش از این کمپین لغو تحریم دارو را راه‌اندازی کرده بودند، این‌بار با تشکیل این کمپین که با هشتگ #IranMessage در شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند، از مردم جهان تقاضا کرده با ثبت‌نام در سایت IranMessage.Org، مخالفت خود را با قانونی که تصویر ایرانیان را در دنیا مخدوش می‌کند و وضعیت سرمایه‌گذاری اقتصادی و توریستی در کشور را دچار چالش می‌کند بیان کنند. راه‌اندازان این کمپین به‌دنبال این هستند که چهره واقعی ایران را به دنیا نشان دهند؛ چهره‌ای که بر مبنای «دوستی» و «گفت‌وگوی تمدن‌ها» با مردم جهان ارتباط برقرار می‌کند.

گزارش فردا

«صادق» به یاری «فروغ» آمد

ناشران شده است. برای آنکه ابعاد این بی‌قانونی‌ها مشخص شود، فقط به این اشاره می‌کنیم که کتاب از ۷۲ ناشر از فروغ و شاپور چاپ شده که ۹۰ درصد آنها بدون اجازه تنها وارث آنها بوده است. حال خانم منیژه محمدی، وکیل دادگستری، به یاری پسر فروغ آمده و وکالت برای اقدامات قانونی در این مورد را پذیرفته‌اند که به‌زودی کارهای قانونی برای مقابله با حق‌کشی ناشران آغاز می‌شود. گفتنی است خانم منیژه محمدی این وکالت را بدون توقع مالی و در اثر عشق به ادبیات و فرهنگ این مملکت پذیرفته‌اند. ضمناً باید اضافه کنم که خلاف‌کاری‌ها فقط مربوط به کتاب‌ها نبوده و شامل موارد صوتی و تصویری مانند فیلم و نوار و سی‌دی هم می‌شود. حتی اگر نزدیکان فروغ و پرویز به حقوق کامیار شاپور تعدی کرده باشند لازم است جوابگویی مشکلات را بپذیرند. بالاخره صادق به یاری فروغ آمد که حق یگانه‌پسرش را بستاند.

همین حوالی

جای خالی ظریف در شب یلدا تلویزیون

نیست. اگر همین منوال را برای میهمان ارزشمند دیگر که لامحاله در این شب باید از ورزش و علاقه‌مندی ورزشی‌اش سخن می‌گفته، در نظر آوریم، چرا باید جلو پخش آن گرفته شود؟! اکنون که فردی نمی‌داند چه در آن گفت‌وگو ردوبدل شد و چه نکته غیرقابل‌پخشی وجود داشت برای شب یلدا؛ نظر مخاطبان تلویزیون به پربیننده‌ترین برنامه‌اش چه می‌تواند باشد؟ چرا به این راحتی باید رسانه ملی چنین شود؟ و به دست خویش سبب‌ساز دل‌خوری بینندگان؟ به باور بزرگان عرصه رسانه، تصمیم‌های آتی و شاید شتابزده و از روی برخی مسائل زودگذر سیاسی، لطمه‌اش به دو طرف داستان که مخاطب و رسانه باشد؛ هم‌زمان وارد می‌شود و افسوس که این شکل ادامه‌دادن در برخی بزنگاه‌های رسانه‌ای جز زوربرگرداندن مخاطب نمره‌ای ندارد. اگر باور شود همان‌قدر که مخاطب «آسان‌پسند» شب یلدا وجود دارد که حق هم دارد برنامه‌ای به سبک خود تماشا کند؛ این حق هم باید برای مشتاقان دیگر افراد نامی و «کاربلد ملی و جهانی» وجود داشته باشد که امید است چنین باشد. هرچند در زمانی دیگر؛ به قول مجری محبوب ۹۰.

ابراهیم عمران:... این است رسانه ملی در فقره پخش‌نکردن مصاحبه «عادل فوتبال» با جناب ظریف و عذرخواهی مجری از مخاطبانی که پیش‌تر از آنان دعوت کرده بود که پای این کپ‌وگفت بنشینند؛ جدا از تصمیم‌های لحظه‌ای مدیران سازمان که به هر دلیلی جلو پخش آن را در شب یلدا گرفته‌اند، نکاتی وجود دارد که بد نیست به قلم آید. در همان شب و در همان برنامه ۹۰ مصاحبه‌ای با یکی از به‌اصطلاح اسطوره‌های فوتبالی پخش شد که بنابر گفته مشتاقان و منتقدان فوتبالی‌اش بسیار رک و به قول خودشان «زمین‌خاکی» وار گپ می‌زنند که حرجی به این نوع سخن‌گفتن نیست و هر فردی «گویش» مخصوص خود را دارد و در طی زمان نیز واژگانش شاید «دوست‌داشتنی‌تر» نیز بشود! صحبت اما بر سر مسائلی بود که به شب یلدا مربوط می‌شد و اینکه آداب پیشینیان به شکلی بود و حالیه به چه طریقی و گفتن از هندوانه و خربزه و اینکه نوه‌های شخص فوتبالی به چه شکلی آب می‌خورند و به طریق اولی «سمفونی آداب سلطانی» بود و چیز تازه‌ای دربر نداشت فقط قرار بود «فانی» برای مخاطب باشد که فی‌نفسه جای اشکال

سامسونگ

SAMSUNG

SUHD TV

بیشتر ببینید، بهتر حس کنید

JSC10000
88"/78"

فقط با ضمانت **۸۲۵۵-۰۲۱** سرویس